



## پزشکیان نماد تجسم و تغییر است

علیرضا علوی تبار، فعال سیاسی اصلاح طلب در یادداشتی که در سایت مشق نو منتشر شده است، به تحلیل دور دوم انتخابات ریاست جمهوری چهاردهم پرداخته است. در بخشی از این یادداشت آمده است: «موضع گیری سنجیده در دور دوم انتخابات نیازمند داشتن درکی روشن از انتخابی است که در برابر ما قرار دارد. به طور خیلی فشرده انتخاب از میان «تغییر» یا «تداوم» است. تلاش دولت یازدهم و دوازدهم (به ریاست آقای حسن روحانی) برای تغییر این سیاستها ناموفق ماند. مقاومت داخلی بسیار قدرتمندی در برابر تغییر شکل گرفت و به قدرت رسیدن ترامپ و تیم ضدایرانی اش به تضعیف دولت روحانی و کوچک شدن دایره انتخاب و اقدام انجامید. در نهایت همراهی این دو عامل (داخلی و خارجی) تلاش برای تغییر این مجموعه از خطمشی ها را ناکام ساخت.»

او در بخش دیگری از یادداشت خود مشکلات ایران را قابل پیش بینی، قابل پیشگیری و قابل درمان دانست و گفت: «به همین دلیل است که باید ریشه آنها را در نظام اداره امور عمومی کشور جست و جو کرد. دولت سیزدهم (به ریاست مرحوم رئیسی) معنایی جز تداوم این مجموعه همبسته از خطمشی های داخلی و خارجی نداشت؛ خطمشی هایی که شکی در مشکل زایی و مسئله آفرینی آنان نداریم. دلیل آنکه در مناظره ها شاهد بودیم که دو نامزد اصلی به همراه دو دلال سیاسی پوششی شان، این همه به دولت حسن روحانی حمله می کردند همین بود. آنها می خواستند از پذیرش مسئولیت سه سال دولت مرحوم رئیسی فرار کنند. به گونه ای سخن می گفتند که گویی می خواهند دولت را از آقای روحانی تحویل بگیرند و نه از مرحوم رئیسی!»

وی در بخش دیگری از این یادداشت توضیحاتی نیز درباره مسعود پزشکیان ارائه می دهد که او را نماد تجسم و تغییر دانسته و در توضیح چرایی آن نوشته است: «پزشکیان دین دار و دین باور است. اما در فهم آموزه های دینی به مقتضیات زمان توجه دارد و ادامه راه اجتهاد با توجه به «زمان» و «مکان» است. همین عنصر است که او را در مقابل بنیادگرایی تجددستیز قرار می دهد. مسئله آفرین ایران را «تبعیض» می داند و در نتیجه از برابری حقوقی و حقیقی در عرصه های دینی و مذهبی، جنسی، قومی و نسلی دفاع می کند. روشن است که این جهت گیری او را در مقابل «تبعیض ساخت یافته» حقوقی و حقیقی مطلوب جریان راست افراطی قرار می دهد. همراهان و مشاوران پزشکیان از «رفاه نهادینه» که متکی بر توسعه پایدار است، دفاع می کنند. اطرافیان پزشکیان حتی اگر انگیزه های دست یابی به «فرصت» های شخصی را هم داشته باشند به مخاطره چنین تلاشی در درون ساختار انحصارگرای قدرت آگاه اند. در ساختار قدرت متکی بر حاکمیت یک اقلیت، ورود به قدرت لزوماً شما را از خطر مصون نمی دارد. می توان مسئول بود اما دائم در معرض پرونده سازی قرار داشت. در چنین ساختاری تنها قاعده ماندگاری در قدرت «ارادت سالاری» است.»

وی در بخشی نیز نسبت به واجدین شرایط شرکت در انتخابات می گوید: «آنها که در انتخابات شرکت کرده و یا می خواهند شرکت کنند باید میان «تغییر» و «تداوم» یکی را برگزینند. اما هموطنانی که در انتخابات شرکت نمی کنند باید توجه داشته باشند که برای امثال من دلایل آنها قابل درک و فهم است. بسیاری از شرکت کنندگان هم با آنچه آنها می گویند و فریاد می زنند همدل هستند. این حق آنهاست که در انتخابات شرکت کنند یا نکنند. ما همه موظف ایم که از آزادی آنها در استفاده از این حق دفاع کنیم. البته این هموطنان عزیز توجه دارند که آزادی یعنی «حق انتخاب مسئولانه». آنها حق دارند انتخاب کنند اما مسئولیت انتخاب خود را هم باید برعهده بگیرند. اقدام آنها پیامدهایی دارد که مسئولانه باید به آن فکر کرد.»

## درباره

سیاستمداران

## همیشه ناکام

## آینده سیاسی محمدباقر قالیباف پس از شکست مجدد در انتخابات ریاست جمهوری



سمیه متقی

دبیر گروه سیاست

محمدباقر قالیباف با ۳ میلیون و ۳۸۳ هزار و ۳۴۰ رای در انتخابات ریاست جمهوری چهاردهم پس از مسعود پزشکیان و سعید جلیلی در جایگاه سوم قرار گرفت. اعلام میزان رای او با توجه به نظرسنجی های پیش از انتخابات و انتظاراتی که در تحلیل ها مطرح شده بود شوک بزرگی به همراه داشت و این سوال را به ذهن بسیاری از مردم و به ویژه حامیان او متبادر ساخت که چه بر سر پایگاه رای قالیباف آمده است؛ پایگاه رای که اگرچه با فرازونشیب فراوان روبه رو بود و چندان هم با کامیابی انتخاباتی روبه رو نبود اما حداقل در تجربه سال ۹۲ به عبارتی انتخابات ریاست جمهوری یازدهم موقعیت بهتر از جلیلی را برای او رقم زد. چنانچه قالیباف در انتخابات ریاست جمهوری یازدهم با ۶ میلیون و ۷۷ هزار و ۳۹۲ رای (۱۲/۰۴ درصد آرای شرکت کنندگان) در جایگاه دوم پس از حسن روحانی قرار گرفت و جلیلی با ۴ میلیون و ۱۶۸ هزار و ۹۴۶ رای (۱۱/۳۶ درصد آرای شرکت کنندگان) در جایگاه سوم قرار داشت. البته حضور ۴ اصلولگرا در این انتخابات موجب بخش شدن آرای آنها شد اما در نهایت این قالیباف بود که اکثریت آرا را به دست آورد و همین نشان از موقعیت بهتر او نسبت به جلیلی در اردوگاه اصلولگرایان داشت؛ موقعیتی که گویا به مرور زمان تغییر کرده و تا آنجا پیش رفت که در دو انتخابات اخیر مجلس دوازدهم و ریاست جمهوری چهاردهم آنچنان تضعیف شد که عملاً دست بالای رای آوری او را تحت الشعاع قرار داد؛ چنانچه در انتخابات مجلس از حوزه انتخابیه تهران او در جایگاه چهارم پس از محمود نبویان، حمید رسائی و امیرحسین تائبی سه حامی جلیلی قرار گرفت و حالا هم که در رقابت انتخابات ریاست جمهوری چهاردهم علاوه بر ناکامی انتخاباتی در انتخاب درون جریانی هم از جلیلی (به همراه علیرضا زاکانی و امیرحسین قاضی زاده هاشمی دو کاندیدای پوششی او) شکست خورد. اگرچه او هنوز در جایگاه رئیس قوه مقننه به عنوان یک چهره سیاسی در پهنه سیاسی و مدیریتی کشور حضور دارد اما آینده سیاسی او در پی همین دو انتخابات با ابهامات بسیاری روبه رو شده است و این سوال مطرح می شود که نتیجه این انتخابات به معنای پایان عمر سیاسی اوست؟ و او چه راه هایی برای بقا در دنیای سیاست پیش رو دارد.

## نگاه

تحلیلی

## ناصر ایمانی روزنامه نگار و تحلیلگر سیاسی اصلولگرا تشریح کرد:

## آینده موقعیت سیاسی رسمی و غیررسمی قالیباف



منصوره محمدی

خبرنگار گروه سیاسی

سه گانه کشور است و قطعاً هم در مجلس، رئیس مجلس باقی خواهد ماند و کسی هم که رئیس مجلس باشد، یکی از بزرگترین سمت های سیاسی را دارد. بنابراین حداقل تا یک سال آینده که انتخابات ریاست مجلس برگزار شود، و حتی فکر می کنم تا آخر این دوره مجلس، در سمت ریاست مجلس باقی خواهند ماند. تصور نمی کنم که در موقعیت سیاسی رسمی ایشان اتفاقی رخ دهد.

## در مورد موقعیت سیاسی غیررسمی چطور؟

در مورد موقعیت سیاسی غیررسمی، بالاخره آسیبی به ایشان وارد آمد چرا که سه میلیون و خورده ای بیشتر رای نیاوردند.

## به نظر شما صحبت هایی که در مناظره ها شد، چقدر در ریزش آراء آقای قالیباف تأثیرگذار بوده است؟

عوامل متعددی در این موضوع نقش داشته و تنها بحث مناظره ها مطرح نیست. اتفاقاً شاید کمترین ریزش در جریان مناظره ها رخ داد، هر چند که می توانستند به نحو بهتری مناظره ها را مدیریت کنند و برخی از وعده ها را ندهند. همین دوفتوری که به مرحله دوم راه پیدا کردند، اتفاقاً همان دوفتوری هستند که به هیچ وجه وعده ای به مردم ندادند. حتی این وعده را هم ندادند که تورم را در چهار سال آینده از ۴۰ درصد به ۳۰ درصد می رسانیم، چه برسد به وعده انرژی و طلا و... که برخی از آقایان مطرح کردند. آقای قالیباف نیز وارد چند تا از این موضوعات شدند که از نظر من کار درستی نبود، اما شاید آسیب بزرگتر از



مسئله مناظره ها نبود، بلکه از موارد دیگری بود؛ از جمله تبلیغات ایشان، کسانی که از ایشان حمایت کردند و حواشی ای که داشتند، مناسفانه بایک بی احتیاطی در این انتخابات دوباره توسط برخی از نزدیکان ایشان مطرح شد و مسائلی از این دست در ریزش آراء آقای قالیباف نقش مهمتری داشتند.

برخی معتقدند که جایگاه حاکمیتی قالیباف دچار خلل و خدشه ای نشده است، اما از آن سو برخی هم معتقدند که با وجود آنکه او هم برگرفته از جریان حاکم است و در بخش های مختلف سیاسی و نظامی همراهانی داشته است اما نتوانست پایگاه رای خود را نگه دارد. فکر می کنید چه اتفاقی رخ داد که پایگاه رای او نسبت به انتخابات ۹۲ تا این حد کاهش پیدا کرده است؟

من تصور می کنم که ایشان در سطوح بالا و سطوح میانی سیاسی پایگاه داشتند و هنوز هم دارند. آن چیزی که رخ داد در لایه های پایینی بود که باعث شکست رای ایشان به نفع آقای جلیلی شد. اولاً سپاه پاسداران، خوشبختانه به هیچ نحوی دخالتی نداشت؛ هر چند که در انتخابات گذشته نیز حمایت علنی و رسمی نداشت اما اتهاماتی مطرح بود که در برخی از سطوح ممکن است سپاه اظهار نظری کند که در این دوره حتی آن هم نبود. هیچ کس معترض به اینکه برادرهای سپاه در هیچ سطوحی به هر نحوی شرکت کرده باشند نبود. اما واقعیت این است که رده های میانی به بالای سپاه به آقای قالیباف متمایل بودند و این را براساس برآوردهای میدانی متوجه می شویم و آماری در این زمینه وجود ندارد. چرا که آقای قالیباف یکی از سردارهای موفق سپاه بودند و طبیعی است که این سازمان نظامی که قبلاً در آنجا مشغول بودند به ایشان تمایل داشته باشند، بدون آنکه بخواهند دخالتی در انتخابات کنند. اما در سطوح پایینی سپاه

